

آتشکده سرخ کتل و جایگاه آن در شاهنشاهی کوشانی های تاجیک ایرانی

دکتر بصیر کامجو

آتشکده سرخ کتل در شمال شهر پلخمری، مرکز ولایت بغلان (خراسان تاریخی / افغانستان امروز)، واقع شده است و تنها 40 کیلومتر با محوطه باستانی رباطک فاصله دارد. هر دو این مکان‌ها در دوران شاهنشاهی کوشانی از کانون‌های مهم فرهنگی و مذهبی بودند [1]. اهمیت سرخ کتل زمانی آشکارتر شد که در کاوش‌های باستان‌شناسی سال‌های ۱۹۵۲ و ۱۹۶۶ میلادی، آثار گرانبهایی از جمله پیکره بزرگ کانیشکه بزرگ، شاه نامدار کوشانی، در این محل به دست آمد. این آثار به موزه کابل انتقال یافتند، هرچند متأسفانه در دوره حکومت طالبان آسیب دیدند. بعدها باستان‌شناسان توانستند پیکره شکسته کانیشکه را بازسازی کرده و بار دیگر در موزه به نمایش بگذارند [2].

ویژگی‌های معمارانه و مذهبی

آتشکده سرخ کتل یکی از باشکوه‌ترین بناهای مذهبی کوشانی است. بنا با آجر پخته و سنگ ساخته شده و درون آن محراب آتش جایگاه اصلی آیین‌های دینی بوده است [3]. این ساختار نشان می‌دهد که سنت‌های زرتشتی-ایرانی، با وجود تعاملات فرهنگی با هند و جهان یونانی، در این خطه همچنان محور حیات دینی و سیاسی به شمار می‌رفتند.

کتیبه‌های به‌دست‌آمده از سرخ کتل – همانند کتیبه رباطک – به زبان باختری (شاخه‌ای از زبان‌های ایرانی شرقی) و با خط یونانی نوشته شده‌اند [2][3]. این امر شاهدی بر غلبه هویت ایرانی در دیوان کوشانیان و همزمان آمیزش آن با سنت‌های فرهنگی منطقه است [4].

اهمیت تاریخی و فرهنگی

از منظر ایران‌شناسی، آتشکده سرخ کتل و کتیبه‌های آن چندین نکته بنیادین را آشکار می‌سازد:

رسمیت زبان ایرانی: باختری، زبان ایرانی شرقی، در این کتیبه‌ها به‌عنوان زبان رسمی دیوانی تثبیت شده و جایگزین زبان یونانی گردیده است [3][4].

حضور ایزدان ایرانی: یادکرد از اهورامزدا، میترا (میرو) و سروش در کنار ایزدان هندی و یونانی، نشان از هم پیوندی دینی و فرهنگی میان ایران، هند و جهان هلنی دارد [2][5].

میراث مشترک اقوام ایرانی: کوشانیان که از بستر اقوام ایرانی-تخاری و باختری برخاستند، با تکیه بر سنت‌های زرتشتی و نمادهای ایران‌زمین، تمدنی را بنا نهادند که در آن تاجیک‌ها، پارت‌ها، سکاها و سغدیان نقش جدی داشتند [5][6].

آتشکده سرخ کتل تنها یک بنای مذهبی نیست؛ بلکه سندی زنده از تداوم فرهنگ ایرانی در شرق ایران‌زمین است. این مکان، همراه با کتیبه‌های ارزشمند رباطک، نشان می‌دهد که کوشانیان، حتی در پیوند با هندوستان و جهان هلنی، خویش را در چارچوب هویت آریایی-ایرانی تعریف می‌کردند.

این یادگار، به‌سان آئینه‌ای از روح مشترک اقوام ایرانی - از تاجیک‌ها و پارس‌ها تا کردها، سکاها، باختریان و سغدیان - است؛ میراثی که فراتر از مرزهای سیاسی امروز، در ژرفای فرهنگ و تاریخ ما ریشه دوانده و شایسته پاسداری و نگهداری است.

منابع

- 1 - سیمز-ویلیامز، نیکلاس. «کتیبه رباطک باختری». بولتن مؤسسه آسیایی، جلد 9، 1995.
- 2 - سیمز-ویلیامز، نیکلاس. کتیبه‌های تاریخی باختری از دوره کوشانی. وین: آکادمی علوم اتریش، 2007.
- 3 - هارماتا، یانوش. «زبان‌ها و ادبیات در شاهنشاهی کوشانی». در: تاریخ تمدن‌های آسیای مرکزی، جلد دوم. پاریس: یونسکو، 1994.
- 4 - دانشنامه ایرانیکا. «دودمان کوشانی، بخش یکم: تاریخ دودمانی» (اتین دو لا وسیه، 2014).
- 5 - گوبل، روبرت. اسناد مربوط به تاریخ هون‌های ایرانی در باختر و هند. ویسبادن، 1967.
- 6 - تاپار، رومیل. تاریخ هند، جلد نخست. پنگوئن، 1990.